

گفت و گو

با

حجت الاسلام فرجام

دبیر اجرایی شورای برنامه‌ریزی
حوزه علمیه خراسان

فرجام : سیستم اجرایی و علمی و آموزشی کشور بر اساس مدارک رسمی است. حوزویان بعد از اینکه به مراکز علمی - آموزشی و دانشگاهها رفتند و جذب ادارات و نهادها شدند، دریافتند که برای تکمیل پرونده به تعیین رتبه علمی رسمی نیاز دارند. در اوائل مشکل با مصوبه سازمان اداری استخدامی کشور حل شد و بنام مدرکی به طلاب داده شود که ارزش استخدامی دارد. مرکز مدیریت قم و جامعه الزهراء در قم برای خواهران به این کار اقدام کرد. در مشهد نیز با پی گیری هایی (که آن زمان نماینده ولی فقیه انجام داد) این مجوز صادر گردید. دانشگاه علوم اسلامی رضوی با سه نفر که ایشان مشخص فرمودند. متولی صدور مدارج با ارزش استخدامی و یا به تعبیری همان مدرک معادل شد. برای روحانیون مورد نیاز دانشگاهها از طریق خبرگان طی مراحل بدون مدرک اقدام می شد. آنان به عنوان مربی از طریق شرکت در امتحانات خبرگان، بدون مدرک وارد دانشگاهها شدند. بعد از آنکه نهاد نمایندگی و معاونت امور اساتید در قم تشکیل شد برای اساتید معارف یک امتحان خاصی گذاشتند و مجوز تدریس دروس معارف به طور عام صادر می گشت. و بعدها تخصصی گردید، و به صورت درس معارف، تاریخ اسلام، و ... درآمد.

در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی (با توجه به حضور و سوابقی که ایشان در حوزه های علمیه داشتند) صحبت هایی شد که خود شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مدارج علمی حوزه مدرک رسمی صادر کند، که هم ارزش



عمرانی : در این شماره مدرک را به عنوان موضوع ویژه مجله برگزیده ایم. سعی بر آن بوده تا موضوع مدرک از جنبه های مختلف بررسی و سنجیده شود. از این رو مایلیم با توجه به اینکه جناب عالی دبیر شورا هستید، مراحل شکل گیری و نیز ضرورت های اعطای مدرک را در حوزه علمیه مشهد بیان کنید. آیا شما در حوزه مشهد آئین نامه مستقل و متفاوتی با آئین نامه حوزه قم خواهید داشت یا خیر؟

علمی و هم ارزش‌استخدامی داشته باشد. از این رو لازم بود با بررسی کتابها و مواد درسی یک برنامه درسی تدوین شود که بر اساس آن شورای عالی انقلاب فرهنگی مجوز بدهد. پیگیریهای زیادی شد تا اینکه در نهایت در سال ۷۴ مدرکی با ارزش علمی و استخدامی مجوز صدور یافت. و از سال ۷۵ عملاً در قم مدارج علمی به طلاب داده شد. در آن زمان آقای استادی اصرار داشتند که مدرک فقط در سطح ۲ و ۱ داده شود و اعطای مدرک در سطح ۳ به صورت محدود در آید. و در سطح ۲ مدرک نباشد. با توجه به استقلال حوزه علمیه خراسان، آقای هاشمی پیشنهاد دادند مجوزی که برای قم صادر شده، برای مشهد هم صادر شود که در زمان ایشان به ثمر نرسید. به هر حال، با پیگیریهایی که از طریق ایشان و شورای مدیریت شد، در بهمن ۱۳۷۸ مجوز صدور مدارک علمی در حوزه خراسان تا سطح ۳، بر اساس آئین‌نامه‌ای که در قم تدوین می‌شود، داده شد.

مخلصی : آیا در این فاصله طلاب خراسان

می‌توانستند به قم بروند و مدرک بگیرند؟

فرجام : بسیاری از طلبه‌ها جهت اخذ مدرک معرفی شدند. منتهی در قم به لحاظ محدودیتهایی برای کسانی که شاغل بودند تا سطح ۲ مدرک با ارزش استخدامی (نه علمی) صادر می‌شد. زیرا خود نظام آموزشی هنوز محصول نداده بود که خواسته باشند بر اساس آن اقدام کنند. نسبت به طلبه‌های قدیمی حوزه خود قم، ظاهراً تا این اواخر اقدام به صدور مدرک علمی نکرده بود. در عین حال اگر طلبه‌ای متقاضی بود که او را به قم معرفی کنیم، معرفی می‌کردیم.

عمرانی : آیا بحث مدرک در درون حوزه مشهد

موافقان و مخالفانی هم داشت؟

بحث مخالف و موافق در شورای برنامه‌ریزی نداشتیم. اگرچه در سطح حوزه دیدگاههای موافق و مخالف هست. بعضی از بزرگان حوزه معتقدند که دادن مدرک به طلبه‌ها به معنای تشویق آنها به ترک حوزه و رفتن به مراکز دانشگاهی است. ولی به نظر می‌رسد بدنه حوزه، طلاب و فضلا و بخش قابل توجهی از اساتید که سروکار با مراکز دانشگاهی و علمی دارند، در شرایط کنونی مملکت صدور مدرک رایج ضرورت می‌دانند. زیرا طول دوره آموزشی و حجم دروسهای حوزه‌ای در مقایسه با مراکز دانشگاهی قطعاً بیشتر است. با این حال،

با مشکل جدی برای عضویت در هیأت علمی و حتی در مواردی برای تعیین مرتبه‌اعضای هیأت علمی مواجه می‌شود. و چاره اساسی آن اعطای مدرک رسمی است.

مخلصی : آیا مدرک فقط برای استخدام و یا

مدارج علمی در دانشگاهها محدود می‌شود یا اینکه

دامنه‌ کاربری آن شمول بیشتری دارد؟

فرجام : اگر بحث بازدهی علمی باشد، ما به عنوان یک حوزه‌ی هیچ‌گاه نیاز به مدرک نداریم. اخذ مرتبه اجتهاد و اجازاتی که در نقل حدیث بوده و این‌گونه عناوین در حوزه معمول بوده است. علاوه بر این، ابلاغ و تبلیغ دین و تعمیق باورهای دینی مردم، هیچ کدام به مدرک رسمی دانشگاهی و غیردانشگاهی نیاز ندارند. به طور معمول، جامعه کسانی را که باور می‌کردند که بتوانند پیام‌رسان دین و مبلغ دین باشند، و برای کسانی هم که در حوزه اهل نگارش، جمع‌آوری احادیث و تفسیر بودند، داشتن مدرک شرط نبوده است. اما در شرایط کنونی اگر فعالیتهای نویسنده‌گی به صورت تخصصی در قالب مجلات باشد. درمراحلی برای هیئت تحریریه اخذ مدرک رسمی نیاز است. برای تدریس در دانشگاهها، ادامه تحصیل در آنها به مدرک نیاز است. ممکن است کسی در حوزه مدرک سطح ۲ را بگیرد و با آن بخواهد ادامه تحصیل بدهد و در آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه شرکت بکند. در کارهای اجرایی مملکت مدرک نیاز است. بنابراین مدرک کاربرد فراوان دارد. گرچه برای طلبه به عنوان یک فرد حوزه‌ای که فقط قصد تحصیلات حوزه‌ای دارد، شاید خیلی به مدرک احساس نیاز نشود.

مخلصی : در باب امتیازات مدارک علمی

رسمی نسبت به مدرک معادل، نکات دیگری اگر

هست بیان کنید.

فرجام : قبلاً مدرک معادل صادر می‌شد. در ادارات و سازمانهای دولتی. بر اساس آن گروه و پایه شغلی مشخص می‌کردند. اما اگر فرد می‌خواست در دانشگاهها ادامه تحصیل بدهد. آن مدرک معادل اعتباری نداشت. ولی اکنون که با مجوز شورای انقلاب فرهنگی، حوزه‌ها اقدام به صدور مدرک می‌کنند. این مدرک ارزش علمی و استخدامی دارد. مثلاً سطح ۲ حوزه مثل لیسانس دانشگاه است و اگر موفق شود که در آزمون کارشناسی شرکت کند فوق لیسانس

می‌گیرد، و به همین ترتیب می‌تواند در دانشگاه ادامه تحصیل بدهد. در سال گذشته در دفترچه‌های آزمون قید شده بود که طلاب قم، با داشتن مدرک سطح ۲ می‌توانند در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کنند. علی‌القاعده با مجوز شورای انقلاب فرهنگی، امسال طلاب خراسان هم می‌توانند از این امتیاز استفاده کنند.

عمرانی: پدیده مدرک در حوزه دارای موافقان و مخالفانی است و هر کدام در مسأله مدرک دیدگاه و نظری دارند. مشابه این موضوع را مادر دیگر مسائل حوزه نیز داریم، مانند اینکه آیا حوزه از نظر اقتصادی باید وابسته به دولت باشد یا اینکه مستقل از دولت عمل کند و ... به هر روی موضوعاتی از این دست، همیشه در حوزه موافقان و مخالفانی دارد. در مورد مدرک نیز در بین موافقان کسانی هستند که می‌گویند الزامات دنیای معاصر ایجاب می‌کند که ما در حوزه هم مدرک داشته باشیم، لذا اگر یک طلبه خواسته باشد خودش را از نظر علمی و کاری نشان دهد باید یک معیار و ملاکی، برای این توان علمی او باشد. قبلاً یک طلبه با یک سخنرانی، نوشته و ... می‌توانست رتبه خودش را از نظر علمی نشان دهد، اما امروزه باتوسعه یافتن ارتباطات دشوار است که یک روحانی بتواند با همان معیارهای گذشته جایگاه خودش را معلوم کند، لذا مدرک یکی از معیارهاست. نیز موافقین مدرک (برخلاف باور کسانی که معتقدند، مدرک طلبه‌ها را از تحقیق دور خواهد ساخت) معتقدند طلبه‌ها مجبور خواهند شد دست کم یک رساله بنویسند و از آن دفاع کنند و تحقیقی انجام بدهند. علوم حوزه تخصصی خواهد شد، به این معنا که مثلاً اگر خواسته باشد در رشته فلسفه مدرک بگیرد، باید در این علم تخصص لازم داشته باشد. در فقه و اصول هم همینطور است، لذا اگر طلبه مدرک داشته باشد می‌تواند به دانشگاه برود و یا برای خوداشتغالی پیدا کند. یکی از دلایل آقایان موافق، این است که یک طلبه گاهی نمی‌خواهد همیشه طلبه بماند و

در حوزه باشد، و بالاخره باید وارد اجتماع بشود و فعالیت کند. ولی آنهایی که مخالف وجود مدرک در حوزه هستند، یکی از دلایلشان این است که مدرک در واقع نشان دانشگاهی است و ما اگر به دنبال مدرک مطابق با دانشگاه باشیم، نوعی عملکرد انفعالی محسوب می‌شود. نکته دیگری که عنوان می‌کنند این است که اگر حوزه دنبال مدرک برود، در حوزه هم مدرک‌گرایی بوجود خواهد آمد، یعنی فرد به حوزه می‌آید تا فقط مدرک بگیرد، و کاری پیدا کند. یکی دیگر اینکه مدرک دانش‌های حوزوی را سطحی می‌کند. طلبه مجبور است سرفصلهایی از دروس را بخواند که می‌خواهد امتحان بدهد. مثلاً طلبه‌هایی که می‌خواهند مدرک بگیرند از تست‌ها استفاده می‌کنند، از جزوات خلاصه شده استفاده می‌کنند و این کار با اصالت حوزه منافات دارد. به هر صورت، هر دو گروه، دیدگاهها و نظراتی دارند. به نظر می‌رسد شورای برنامه‌ریزی از مجموعه این دیدگاهها برای تدوین چگونگی اعطای مدرک استفاده نکرده است. درحالی که موضوعاتی از این دست لازم است تا

به مشاوره کارشناسان گذاشته شود، تا ابعدمختلف موضوع روشن تر شود.

فرجام: در این باره بایسته است به چند نکته توجه شود: مسائلی مانند وابستگی اقتصادی حوزه به دولت و حکومت، از نظر بسیاری از بزرگان حوزه درست نبوده و نیست. صدور مدارج علمی با مسائل اقتصادی و وابستگی به دولت در حوزه متفاوت و دو مقوله جداگانه است. ما با اصالت حوزوی و اینکه مرجع صدور مدرک مستقیماً خود حوزه است، این کار را انجام می‌دهیم. و نیز پیداست با اعطای مدرک، پژوهش و تحقیق در حوزه نهادینه می‌شود. از آغاز فضای دروس حوزه به گونه‌ای است (که اگر فرد درسها را خوب بخواند) محقق و پژوهشگر در علوم اسلامی بار می‌آید، البته به این معنا نیست که همه حوزویان پژوهشگر باشند. گرچه روحیه پژوهشگری در حوزه یک امر ریشه‌دار است و به مدرک وابسته نیست، این روحیه همواره در حوزه وجود داشته است.

نسبت به نظرات مخالف و موافق توجه داریم. ولی هر کاری که انجام می‌گیرد موافقان و مخالفانی دارد، امکان ندارد که به طور صد درصد همه موافق باشند. اگر با اصل آن موافق باشند، ممکن است در بعضی از فروع آن مخالفت داشته باشند و یاممکن است دو تادیدگاه مختلف در یک مسئله باشد. باید همه اینها را سنجید. اما، در شرایط حاضر، حضور مؤثر حوزویان در مراکز فرهنگی - آموزشی و در عرصه‌های تحقیق و پژوهش و در مراکز تخصصی نیازمند قانونمندی است. اگر بگوییم که تحصیل کردگان حوزه در حوزه بمانند (که ممکن است این هم یک دیدگاهی باشد) طبعاً این بحث مطرح نیست. اما اگر بر این باور باشیم که: «التقوهوا فی الدین فلینذروا قومهم اذارجعوا...» و عرصه انذار را هم یک عرصه وسیعی بدانیم که یک بخشی از انذار و ابلاغ در روشهای سنتی و رایج حوزه‌ها میسر است. اگر ما بخواهیم حوزه حضور فعال در مراکز تخصصی و در مراکز فرهنگی و آموزشی داشته باشد، در کشور برای پذیرفتن این افراد یک قوانینی است، و نظامی دارد. ممکن است که ما اسمش را کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا نگذاریم و همان اصطلاح حوزوی رایج ببریم، سطح ۱، سطح ۲، سطح ۳، لیکن باید این کار، قانون مند شود، و یک سامانی بیاید، و هم اکنون

فرصت مناسبی است که بر آن اساس، دروس حوزه را هم هدفمند و روش مند بکنیم. نظام آموزشی کشور با مدرک دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و ... درجه بندی شده است. حوزویان در نظام جمهوری اسلامی نمی‌توانند از کارها برکنار باشند، اگر خواسته باشند در عرصه‌های کار و خدمت فعالانه شرکت کنند باید یک چارچوب متناسب با حوزه برای خودشان بریزند. و این باید از کانالها و مسیر خاص خودش بگذرد. و گرنه باید بگوییم که حوزه اصلاً کاری به مجلس ندارد، قوه مجریه، قضائیه و دیگر مراکز تصمیم‌گیری به حوزه مربوط نمی‌شود، و روحانی نباید در امور سیاست و حکومت و ... دخالت کند. اگر کسی بخواهد نماینده مجلس شود، برای نماینده شدن یک میزان علمی تعیین شده، این میزان را در حوزه بر چه اساسی می‌توان معرفی و مشخص کرد؟ هر میزانی که در نظر گرفته شود، نوشته‌ای و سندی می‌خواهد و این سند همان مدرک تحصیلی است. از این منظر اگر به مسائل نگاه کنیم وجود مدرک در حوزه پذیرفتنی است.

عمرانی: وجود مدارک علمی در حوزه، یک سیستم آموزشی جدیدی را می‌طلبد. به عنوان مثال: مدت زمان تحصیل باید مشخص باشد، و درسها در مدت زمان خاصی طی شود. همانطوریکه در آئین نامه اشاره شده، حداقل زمان تدوین پایان نامه در سطح ۳ یک سال باشد. یعنی در واقع یک سیستم آموزشی مبتنی بر مدرک که در دانشگاه بوده، حال به نوعی در حوزه می‌خواهد جاری شود. آفاتی هم ممکن است برای این کار باشد، از جمله اینکه، این امر اختیار و گزینش استاد را از طلبه سلب می‌کند. اختیار متن درسی را از طلبه بگیرد، و طلاب نتوانند به صورت جهشی درس بخوانند. با نظام پایه‌ای هم به مشکل برخورد می‌کند، منظور این است که وقتی شما دنبال مدرک می‌روید، به نوعی یک نظام آموزش جدیدی را پی‌ریزی می‌کنید و این کار الزامات خاص خودش را دارد، آیا برای این قبیل مسائل، پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته است.

فرجام: از آغاز انقلاب مزایای نظام آموزشی حوزه و مزایای نظام آموزشی دانشگاه و کاستی‌هایی که دارند مکرر

بحث شده. در حوزه استاد آزاد است و بحثی در آن نیست و یکی از نکات قوت حوزه می باشد. اما اگر ما خواسته باشیم این نکات قوت حوزه را حفظ کنیم و آن کاستی هایی که در سیستم آموزشی داشتیم برطرف کنیم، کار ارزنده ای است. اگر کلی تر به قضیه نگاه کنید، و مدرک تحصیلی را کنار بگذارید، بحث تغییر متون آموزشی یا اقل بازنگاری و حذف زوائد یک بحث جدی است که حتی پیش از انقلاب هم پیگیری در جریان بوده است. تحریر المعالم و اصول مظفر، از متون جدید می باشد. شهید صدر در «حلقات» خیلی زحمت کشیده اند و روش جدیدی را در اصول ارائه کرده اند. بنابراین باید ببینیم که نظام آموزشی ما نیاز به بازنگاری دارد یا ندارد. اگر سیوطی در چند قرن قبل نوشته شده، و کتاب بسیار ارزشمندی است، آیا باید همیشه همین کتاب در حوزه تدریس شود و یا می شود متن آموزشی دیگری جایگزین آن کرد که کارایی بیشتر داشته باشد؟

دانشهای جانبی، در کنار ادبیات و فقه و اصول در حوزه برجستگی داشته، آیا اینها در حوزه لازم است یا نیست، کلام، فلسفه، قرآن، تفسیر را طلبه باید بداند یا خیر. اگر فراگیری اینها لازم است، می توان نظام آموزشی حوزه را دو مرحله ای کرد: مرحله عمومی، که همه با حداقل بایسته های تفسیری آشنا شوند، و دوره های تخصصی برای بحثهای دقیق و ژرف آن.

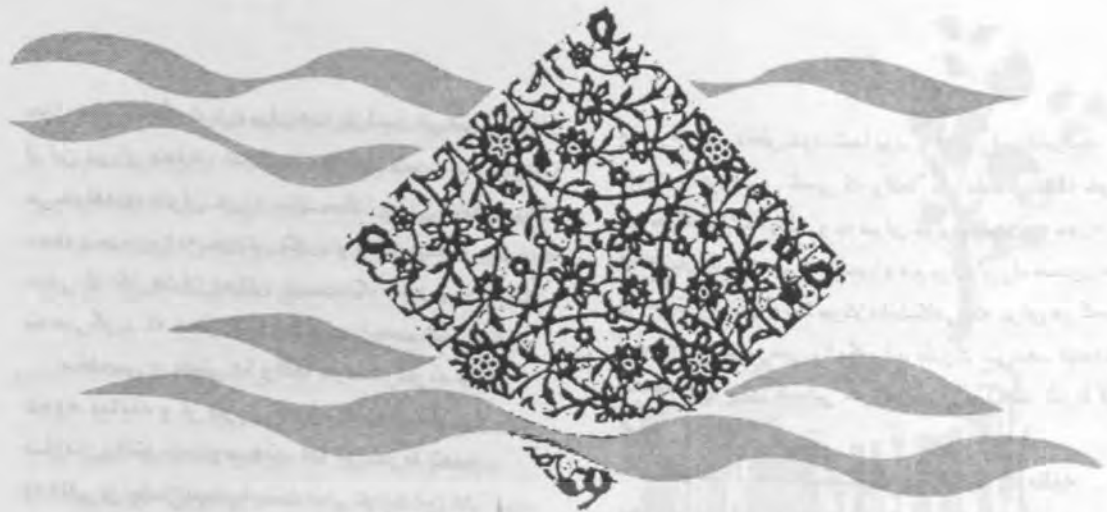
نکته دیگر این که، اگر ما در حوزه درسها را زمان بندی بکنیم، که مقام معظم رهبری تأکید دارند طول دوره آموزش کوتاهتر شود، در شرایط کنونی با توجه به نیازهای زمان و پیشرفت های لحظه به لحظه و رو به کمال علم، مشخص شدن طول دوره آموزشی برای یک طلبه نکته مثبتی است. طلبه ای داریم که ممکن است ۱۰ سال یا ۱۲ سال در حوزه باشد و هنوز دارد معالم می خواند، آیا این درست است که با همین سبک پیش برویم؟! بجاست یک حداقل و یک حداکثر زمانی در نظر گرفته شود. اینها را نمی توان از آفات صدور مدرک در حوزه دانست؛ از این زاویه اگر به بحث مدرک نگاه شود، متونی پیراسته از زوائد بتوانید ارائه کنید آنچه که یک طلبه در کنار ادبیات، فقه، اصول نیاز دارد، (حداقلها را) در دوره عمومی فرا بگیرد از زمانی که در اختیار طلبه و سیستم آموزشی حوزه است می توان با ارائه یک برنامه منظم، حداکثر

استفاده را برد. و اینها همه برای حوزه نکات مثبتی است. مخلصی: با توجه به اینکه همه تغییر در متون آموزشی حوزه را ضروری می دانند، و شما در جریان اعطای مدرک، فرمودید تدوین متون درسی یک امر ضروری است، آیا بهتر نبود که اول نسبت به تغییر متون درسی اقدام می شد و سپس طول زمان تحصیل و پس از این مراحل، اقدام به اعطای مدرک می شد؟ چون باروش فعلی، همان درس ها تثبیت می شود که جنابعالی گفتید نیازمند بازنگاری است و همه این تغییر را پذیرفته اند و معتقد بر تغییر متون آموزشی اند. چرا قبل از اینکه مدرک داده شود نسبت به بازنگاری متون درسی اقدام نمی شود، آیا این تقدم و تأخر ضرورت ندارد؟ و این تأخر متون درسی باعث تثبیت همان متون سابق نمی شود. که بر اساس همان ها مدرک بدهید.

فرجام: اولاً در پایه های یک تا ۶ تغییراتی در بعضی از متون آموزشی آن داده شده، ثانیاً: تغییر متون آموزشی را مقدمه صدور مدرک نمی دانیم، بلکه اگر بخواهد بازنگاری چه در متن و چه در سرفصلها صورت پذیرد، می تواند در جریان اجرا صورت گیرد. کاستیها و نواقص آشکار می شود، و در مراحل بعد نسبت به تغییر یا بازنگاری اقدام می گردد.

مخلصی: اگر ما خواسته باشیم مدرک را بر اساس همین متون سابق بدهیم، این متون تثبیت می شود، چون طلبه ای که می خواهد مدرک بگیرد، می داند که همین متون را باید بخواند و این کار ادامه پیدا می کند.

فرجام: نه این طور نیست، دانشگاهها هر چند گاهی سرفصل دروس را بازنگاری می کنند، در چند سال قبل واحدهای درسی بیش از ۱۴۰ واحد بود، نشستند و تغییر دادند و ۱۲۵ واحد کردند، بعضی از همین سرفصلها، در همین دروس حوزه فقه و اصول و حقوق، از شرایع و از مختصر النافع استفاده می شد، تمام اینها را در متن لمعه منحصر کردند. عنوان بعضی از درسها را تغییر دادند. بنابراین اگر حوزه ها واقعا به چنین نتیجه ای برسند که باید در متون موجود تغییر اساسی بدهند و متون جدیدی جایگزین آن بکنند، این تغییر



سوء استفاده‌ها و ... را بگیریم. اگر ما می‌خواهیم این شرط را الزامی کنیم، آن طرف هم باید مقررات استفاده از معمّم شدن را نیز اجباری کنیم. چرا همیشه در این مورد، الزام در پوشیدن لباس هست؟

فرجام : برای غیرمعمّمین راه در دانشگاهها باز است. حوزوی یکی از شرایطش این است که لباس فرم حوزه راداشت باشد. کسی که به حوزه می‌آید، اگر از همان اول هدفش رسیدن به این مدرک باشد، همان بهتر است که از همان اول به او مدرک ندهند، ولی اگر واقعا حوزوی است و مقید به الفبای حوزه است، در نتیجه معمّم بودنش شرط لازم حوزه هست.

مخلصی : با توجه به اینکه کارها و کارکردهای حوزه متعدد است و در شرایط حاضر، لازم است پیام دینی در شکل و شیوه‌های مختلف ارائه شود، از همین رو برخی از عرصه‌ها، نه تنها تعمّم ضرورت ندارد، بلکه ممکن است باعث مشکلاتی نیز باشد. برخی از افراد فاضل و اندیشمندان در حوزه که هم برای حوزه و هم برای جامعه مقید هستند، با این شرط از حقوق خود محروم می‌شوند. چه لزومی دارد که این شرط را به صورت مطلق الزام آور کنیم؟

فرجام : انتهایی که استعدادهای خوبی دارند یا می‌خواهند بیابند و در حوزه باشند و حوزوی باقی بمانند، یا فقط می‌خواهند دانشهای حوزوی را یاد بگیرند. اگر می‌خواهند فقط دانشهای

در برنامه شورای انقلاب فرهنگی طبعاً اعمال می‌شود، یعنی اصلاحیه داده می‌شود و تکمیل می‌شود.

عمرانی : در خصوص آیین نامه حال که بناست مشهد مستقلاً عمل کند و مدرک بدهد، آیا آیین نامه مستقلاً هم تدوین خواهد کرد یا همان آیین نامه قم اعمال خواهد شد؟

فرجام : مصوبه شورای انقلاب فرهنگی این است که براساس آیین نامه قم اعمال شود.

عمرانی : آیین نامه قم دارای اشکالات زیادی است. قبل از اینکه ما اشکالات آن را برشماریم، نظر شما در ارتباط با این آیین نامه را می‌خواهیم بدانیم.

فرجام : در مقایسه با آیین نامه قبلی سعی شده که نواقص برطرف شود. هیچ قانونی خالی از کاستی نیست، اما در مقایسه با گذشته که ملاک عمل بوده، نواقص تاحدودی برطرف شده است.

مخلصی : یکی از اشکالاتی که بر این آیین نامه وارد است، این است که در این آیین نامه برای اعطای مدرک سطح ۳ و ۴ یک شرط گذاشته شده و آن معمّم بودن طلبه هست. چرا ما این شروط و قیود را از این طرف نمی‌گذاریم که فردی که می‌خواهد معمّم شود، باید دارای ملاکها و شرایط و صلاحیتهای متعددی باشد؟ چرا این اجبار همیشه یکسویه است؟ چرا مقرراتی برای کسی که معمّم هست، نمی‌گذاریم تا جلوی بسیار از

حوزوی را یاد بگیرند، راه برای همه باز است. هرکس می‌تواند از این دریای معارف اهل البیت بهره‌مند شود، اما اگر واقعا می‌خواهد به عنوان حوزه بیاید، بگذارید آن سبقه ورتگ حوزوی بودن را به خودش بگیرد و اینکه شما فرمودید که خیلی از کارها لازمه‌اش نیست که آدم معمم باشد. بنده می‌گویم که همان کارها منافات با معمم شدن ندارد.

مخلصی : خیلی‌ها واقعا دوست دارند به حوزه بیایند و از طریق حوزه کارهایشان را سازمان یافته انجام بدهند، اما این شرط تعمم به علی برایشان میسر نیست، نمی‌توانند این کار را بکنند و لذا باعث می‌شود که اینها به حوزه نیایند و بروند به راههای دیگر.

فرجام : پاسخ این مسأله را عرض کردم، در حوزه برای همه باز است.

مخلصی : شما فرمودید برای علم آموزی باز است، من می‌گویم که می‌خواهد داخل سیستم حوزه بیاید.

فرجام : سیستم حوزه مدرکی نیست. خود شما در صحبت‌های اولیه‌تان فرمودید سیستم مدرک نیست، اگر غیرمعمم می‌خواهد مدرک بگیرد، برود از طریق دانشگاه بگیرد، می‌خواهد از دانشهای حوزوی استفاده کند، راه باز است.

عمرانی : طلبه‌ای در حوزه تحصیل کرده، الان

یک محقق و پژوهشگر برجسته‌ای هست، حالا دارد در یک مقطع علمی برجسته‌ای کار می‌کند، از حقوق اولیه اوست که از همان ارزش علمی و استخدامی استفاده کند، بیست سال یا سی سال در حوزه درس خوانده و از طرفی نیز سرمایه حوزه به شمار می‌رود، حالا در معارف دینی پژوهشگر شده و دارد تحقیق می‌کند و با یک نهادی همکاری می‌کند، این چه دلایلی دارد که از این امکان استفاده نکند و بخواهد حتماً معمم باشد؟

فرجام : در حوزه اصالت با مدرک نیست و اگر حوزه خواسته باشد مرکزی برای صدور مدرک باشد، و هرکسی این درسها را امتحان بدهد و به او مدرک بدهد، همان تبعات

منفی که مورد نظر خود شما بود، و اینها را برشمردید، همان تبعات را دارد. پس کسی که واقعا دل داده و سبقه حوزوی می‌خواهد داشته باشد و به هوای کوی دوست به حوزه آمده، البته نیاز دارد به مدرک، و حوزه هم برای او راه صدور مدرک ران بسته، اما حوزه یک مرکز دانشگاهی که برای هرکسی که این واحدهای درسی را بگذراند مدرک می‌دهد نیست، لذا معمم بودن برای کسانی که مدرک می‌خواهند شرط لازمی است.

عمرانی : چه تضمینی وجود دارد که طلبه معمم پس از آن که مدرکش را گرفت، از تعمم خارج نشود؟

- اما اینکه برای آینده‌اش چه تضمینی دارد، عرض کنم همان مطلبی است که اشاره کردم، اگر کسی که سالهاست، در حوزه هست واقعا می‌بیند که معمم است و مقید به این لباس هست، بالاخره برای شما ظن غالب پیدا می‌شود که با همین سبقه حوزوی می‌خواهد بماند و همین جوری هم هست، چون افرادی با این خصوصیت بعدها هم که جذب نهادها و ارگانها شدند باز آن تقیدشان را به حوزه حفظ کردند، بنابراین ما گذشته را ملاک قرار می‌دهیم که در آینده هم آقایان تقید را خواهند داشت.

عمرانی : شما با این قید، کار را بر خودتان سخت می‌کنید که گروهی را تشکیل بدهید که تشخیص بدهند که آیا این آقایان معمم خواهند ماند یا نه، مثلاً یکی از شرایط واگذاری ساختمانهای اجازی ثامن، معمم بودن بود. برخی برای اینکه از این امتیاز برخوردار بشوند به اجبار معمم شدند، و از این مطلب غفلت شده است که آیا اصلاً این در شأنش بوده است که لباس بپوشد یا نه، این قضیه در مورد مدرک دارد به نوع دیگری تکرار می‌شود.

فرجام : در سطح ۱ و ۲ این اجبار نیست، در یک مقطعی از تحصیل می‌باشد و افراد مقید نیستند که همیشه معمم باشند.

مخلصی : این معمم بودن موارد نقض زیادی

دارد مثلاً در دانشگاه شخصیت‌های برجسته‌ای هستند که این آقایان روحانی با حدود ۳۰ سال تحصیل در حوزه هستند و اکنون در دانشگاه



مخلصی: آیا همان گونه که برای اعطاء مدرک چنین شرط اجباری گذاشته شده، از آن طرف هم شرط لازمی قید شده که جلوی سوءاستفاده افرادی که این شرط را ندارند و ملبس می شوند و از مزایای لباس استفاده می کنند گرفته شود؟ آیا برای این قضیه هم فکری شده است؟

فرجام: نمی دانم که در این جمع بندیها پیشنهاد خاصی بنظر شما رسیده راه کاری دارید یا نه.

مخلصی: کسی که می خواهد معمم شود حتماً باید از نظر علمی واجد شرایط ویژه ای باشد و به این سطح علمی برسد تا واجد این شرط، یعنی تعمم شود. یک راه این است که این برنامه به سراسر حوزه های کشور ابلاغ شود تا کسی که به این حد از تحصیلات نرسیده حق تعمم ندارد. آیا چنین ابلاغیه ای انجام شده و یا می خواهد بشود.

فرجام: قابل بررسی است.

عمرانی: آئین نامه کمیته هایی را برشمرده است که جریان تحصیلی و آموزشی حوزه در آن گرایش ها نبوده است. ولی در این رشته ها قرار است مدرک بدهد؛ در حالی که جریان عمومی آموزش حوزه به این شکل نیست که طلبه ها در این گرایش ها تحصیل کرده باشند. از طرفی رشته هایی مانند ادیان و عرفان و تاریخ و تمدن هست که در کمیته مدارک برای آن کمیته ای تشکیل شده است.

فرجام: همان مواردی که شما اشاره فرمودید؛ متنش چنین است: «به منظور صلاحیت علمی اساتید راهنما، مشاور، داور و بررسی تخصصی موضوع رساله ها در زمینه های مختلف علوم اسلامی کمیته های تخصصی با تناسب رشته های معارف علوم اسلامی در حوزه های علمی توسط شورای مدارک علمی تشکیل می شود» بنابراین، رساله هایی که آقایان می خواهند بنویسند، عنوانهایش محدود نیست، بررسی رساله ها در یکی از این کمیته ها خواهد بود، ضمن اینکه در تبصره آن آمده کمیته های تخصصی محدود به موارد مذکور نمی باشد. و بنا به تشخیص مدارک علمی و با توجه به تأسیس رشته های جدید، با تأیید شورای انقلاب فرهنگی قابل

هستند، اینها قبلاً معمم بودند و در نجف بودند، وقتی وارد دانشگاه شدند لباسها را کنار گذاشتند، و در همان چهره شخصی به فعالیت های علمی شان ادامه می دهند.

فرجام: در کنارش ما آقای مطهری را داریم، آقای باهنر را داریم.

مخلصی: آقایانی که بدون لباس هستند خیلی بیشتر هستند.

فرجام: نمی گویم موارد نقض ندارد، منتها همین آقایانی که شما می فرمایید، از حوزه مدرک نگرفتند.

مخلصی: بله مدرک نگرفتند اما تحصیلاتشان حوزوی می باشد یعنی وقتی وارد دانشگاه شدند به اعتبار آن علم حوزوی شان وارد دانشگاه شدند.

فرجام: کسی که با سابقه حوزوی وارد شد، حوزوی ماند، البته نمی گویم که نقض ندارد، اما غالب نیست ولی آنکه سابقه دانشگاهی گرفت، وارد دانشگاه شد. مدرک دانشگاهی گرفت شما عنایت بفرمائید، شهید مطهری تا همین اواخر گله مند بود چون عنوان استادی نداشت و از این جهت گله داشتند. و بعضی از آقایان از قول ایشان نقل می کردند که وقتی با ایشان مشورت کردند که ما بیاییم یا نیاییم، شهید مطهری خیلی موافق نبودند.

افزایش می‌باشد. پس نتیجتاً در این کمیته‌ها رساله‌هایی که می‌خواهد بررسی شود، متناسب با آن مجموعه خواهد بود. و کمیته‌ها منحصر به این ۵ کمیته نیست، و قابل افزایش است. و راه بسته نیست.

عمرانی : در ۵ کمیته و ۵ گرایش مدرک داده می‌شود آیا در مدرک قید می‌شود که گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی است یا فلسفه و کلام و ... آیا مدارکی که حوزه می‌خواهد بدهد این گرایشها در آن مدنظر است یا اینکه یک مدرک عام حوزوی است و شامل همه گرایشها می‌شود؟

فرجام : پیشنهادی که به شورای انقلاب فرهنگی شده و تصویب هم شده، دو نوع مدرک داریم و با دو عنوان مدرک داده می‌شود. یکی اینکه طلابی که در حوزه تحصیل می‌کنند بدون اینکه در یک رشته تخصصی باشند، مثلاً ۳ سال سابقه درس خارج رفتن دارد، و یک دوره‌های تخصصی هم در نظر گرفته شده که فارغ التحصیلان دوره‌های تخصصی با همان برنامه‌های آموزشی مشخص، مدارک به آنها داده می‌شود. با همان رشته‌های مشخص، نظیر آنچه که در بعضی از مراکز در قم داریم، و نظیر آن را در مدرسه نواب داریم که ۲ عنوان تربیت مدرس، تربیت مبلغ، و تربیت محقق، در برنامه‌های کلی مدرسه گنجانده شده است.

عمرانی : یک حوزوی اگر خواسته باشد در دانشگاه تدریس کند با این فرمایش شما، ایشان فقط در معارف می‌تواند تدریس کند. و کسی که ۶ سال درس خارج می‌رود این آقامدرک عمومی را می‌گیرد، مدرک تخصصی را نمی‌گیرد، و نمی‌تواند دروس تخصصی را تدریس کند فقط می‌تواند دروس عمومی را تدریس کند.

فرجام : کسی که دکترای فلسفه دارد با گرایش فلسفه به او مدرک می‌دهند، و می‌تواند در فلسفه تدریس کند و کسی که دکترای علوم قرآنی دارد، در گرایش علوم قرآنی به او درس می‌دهند. ممکن است یک سری درس‌ها جنبه عمومی داشته باشد و پایه باشد، دروس پایه و عمومی به جای خودش اما دروس تخصصی را با گرایش خودش تدریس می‌کنند. طلبه‌ای که سطح ۲ را خوانده و می‌خواهد جذب دانشگاه بشود، رشته تخصصی آن فقه و اصول است.

عمرانی : اگر فردی در یکی از گرایشها رساله‌اش را تدوین کرد آیا این به معنای این است که آن فرد تخصص در این رشته دارد و مدرک همان رشته به وی اعطا می‌شود؟

فرجام : این برمی‌گردد به نوع گواهی که به او داده شده، که آیا عنوان رساله در آن گواهی قید شده است یا نه قید نمی‌شود، در این زمینه هنوز اقدامی نشده.

مخلصی : کمیته‌هایی که در اینجا مطرح شده این هم باز می‌گردد به بازنگری متون، تقریباً ضرورت می‌نماید به تنظیم یک برنامه آموزشی منسجم، تا اینکه برسیم به آن اهدافی که در اعطای مدرک لازم است، یعنی اگر ما بخواهیم مدرکی که به طلبه‌ها داده می‌شود از همه جهت فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموختگان حوزه را، پوشش بدهد، باید قبل از آن، فرایندهای آموزشی را در این جهت مشخص کنیم، تا بعد بتوانیم اعطای مدرک را در گرایش‌ها و رشته‌های مختلف اعطا کنیم. شما به عنوان دبیر اجرایی شورای برنامه‌ریزی حوزه علمیه خراسان نسبت به این امر، برنامه‌های خاصی و کمیته‌های خاصی راپیش‌بینی کرده‌اید یا نه.

فرجام : دروس تخصصی و رشته‌های تخصصی عمدتاً در دانشگاه علوم اسلامی رضوی تدریس می‌شود و مدرسه نواب هم بعد از بازسازی این کار را می‌کند، و مدرسه نواب با همین عناوین تخصصی درست شده است.

عمرانی : فعالیت‌های آموزشی حوزه خراسان را نباید در این دو مرکز که تعداد اندکی از طلاب در مقایسه با کل این حوزه گسترده در آن تحصیل می‌کنند، محدود کرد. آن کسانی که نمی‌خواهند و یا سطح علمی‌شان بالاتر از سطح این دو مدرسه است چه باید بکنند؟

فرجام : دوره‌های تخصصی زمانی عنوان دوره به آن گفته می‌شود که اولاً برنامه آموزشی مشخصی باشد، اولاً طول دوره آموزشی مشخص باشد، و تقسیم‌بندی این برنامه آموزشی به دروس عمومی، پایه و تخصصی تعریف شده باشند، سؤال اشاره به این جهت است، نه به کسانی که به طور

آزاد متخصص یک رشته‌ای شده‌اند و در یک بخش از علوم اسلامی واقعا متخصصند، منتهی در اثر مهارت و تدریس و پی‌گیری‌های خودشان عنوان رساله‌شان را انتخاب می‌کنند.

مخلصی : الان شما، کمیته بازنگری متون درسی یا تأسیس و راه‌اندازی دوره‌های تخصصی که در اعطای مدرک مورد نیاز است، در شورا ایجاد کرده‌اید، آیا این کمیته‌ها پیش‌بینی شده‌است؟

فرجام : اخیراً بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری، که فرمایشات ایشان تقریباً یک سیر تکاملی داشته‌است، و در مجموع هشت محور را بیان کرده‌اند، ما دو گروه را سازماندهی کردیم، تا بنشینند و راه‌کارهای فرمایشات مقام معظم رهبری را بررسی و استخراج کنند تا در جلسات شورا مطرح گردد. دو گروه تخصصی، دو گروه کارشناسی تشکیل دادیم که کار کنند تا نشانی نتایج آن به جلسات شورا بیاید و مصوبه شود و اعمال گردد.

عمرانی : در آئین نامه قم، مدیر حوزه، معاونت آموزشی و پژوهشی و نیز چهار تن از اساتید صاحب نظر، که آن هم باز به پیشنهاد مدیر حوزه خواهد بود، منصوب می‌شوند و این افراد همه انتصابی هستند. در حالی که در پاره‌ای از موازیه می‌توانستند از بدنه حوزه در انتخاب لااقل ۲ نفر در شورا استفاده کنند. آیا این کار یکی از ضعف‌های آئین نامه - که همین آئین نامه ظاهراً در مشهد هم اجرا خواهد شد - تلقی نمی‌شود؟

فرجام : خیر، چون این کار اجرائی است، و نمایندگان باید به عنوان بازوی اجرائی طرح و نظر بدهند و کمک کنند. در اساسنامه نمایندگان، وظایف نمایندگان مشخص شده‌است، اینها می‌توانند طرح را به مدیر حوزه بدهند و از طریق مدیر حوزه پیگیری و تصویب شود. و اگر تصویب نشد علت تصویب را بپرسند. مجمع نمایندگان بیشتر بازوی فکری شورای عالی و مدیر حوزه علمیه هستند. نه بازوی اجرائی.

عمرانی : چه تمهیدی برای افراد شنایسته و لایق که از این پس می‌خواهند به حوزه وارد شوند اندیشیده شده‌است؟ آیا پیش‌بینی‌هایی شده است که بعد از جریان مدرک در حوزه افراد

شنایسته و با استعداد به حوزه راه پیدا کنند؟

فرجام : انگیزه اشخاص را که مائمی دانیم، اما برای ورود به حوزه در سالهای اخیر، ما دو - سه مرحله گذاشتیم که قبل از اینکه وارد بشوند ما حداقل یک اطلاعات اجمالی اولیه‌ای داشته باشیم. اولاً از نظر استعدادیابی، بر اساس مدرک و سیکل یک محدودیت‌هایی است، و از نظر شرکت در آزمون یک نوع ارزیابی‌هایی انجام می‌گیرد. و مرحله سوم هم مصاحبه هست. بالین همه، تا ۶ ماه این طلبه رسمی ما محسوب نمی‌شود تا اینکه یک نیم‌سال در بخواند، و توسط مدیر مدرسه، و استاد ارزیابی شود. در شورا هم بخش تحقیقات او را بررسی می‌کند. ما این سه - چهار مرحله را گذاشتیم تا اینکه هم افراد با استعداد و هم با انگیزه به حوزه بیایند، خودبه‌خود افرادی که بدون انگیزه حوزوی بیایند در این مدت ریزش دارند و یا به نحوی بروز می‌دهند، ما صد درصد نمی‌توانیم مطمئن شویم که همه شرایط ما جواب بدهد، در عین حال، ما این پیش‌بینی‌های توافقی را کرده‌ایم.

عمرانی : ما برای اینکه بتوانیم در این ویژه‌نامه که یک شماره کاملاً درون حوزوی است، ابعاد موضوع را از جنبه‌های مختلف بررسی کنیم، تماس‌های متعددی با اعضای شورای برنامه ریزی مدیریت حوزه خراسان داشتیم. که آقایان علاقه‌ای برای اظهار نظر در این موضوع و موضوعات مرتبط به حوزه از خود نشان نداده و نمی‌دهند البته برخی از اعضای شورا مانند حجج اسلام: حسینی و هاشمی کنابادی، بزرگوارانه با موضوع برخورد کردند اما دیگر اعضای محترم ... آیا در این زمینه آئین نامه‌ای است که اعضا اظهار نظر نکنند؟!

فرجام : اطلاع‌رسانی نظر شخصی آقایان هست. و ممکن است که آقایان تمایلی نداشته باشند در این زمینه‌ها صحبتی کنند و این یک امر شخصی است و ما چنین قانون و مصوبه‌ای را نداریم که گفتگو یا اظهار نظر نکنند!

عمرانی : متشکریم. امیدواریم که در دیگر موضوعات حوزه نیز گفتگو‌هایی داشته باشیم.

فرجام : ما هم تشکر می‌کنیم از شما که رحمت کشیدید، و استفاده خواهیم کرد از دیدگاهها و نظراتتان و از این ویژه‌نامه.